

موضوع: حضرت زهرا سلام الله علیها،  
الگوی امامان علیهم السلام

تاریخ پخش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴

عناوین:

- ۱- جایگاه حضرت زهرا سلام الله علیها در نزد امام عسکری علیه السلام
- ۲- کوچک بودن دنیا در نزد مردان خدا
- ۳- ارتباط با خدا، عامل امنیت و آرامش انسان
- ۴- رابطه حضرت زهرا با حضرت علی علیهما السلام
- ۵- ایمان، ملاک و معیار الهی است، نه فقر و غنی
- ۶- مردمی بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم
- ۷- مردان و زنان با ایمان، الگوهای قرآنی در طول تاریخ

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمین بعدد ما أحاط به علمه، الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی

خدمت عزیزانی هستیم از آموزش و پرورش و بحث زمانی پخش می شود که شب شهادت حضرت زهرا است و من هم یک خرده در مورد حضرت زهرا مطالبی را بگویم. فاطمه یعنی چه؟ فاطمه یعنی یک زن استثنایی و نمونه، الگو، فاطمه یعنی حسابش از همه جداست. این هم کلمه‌ی فاطمه، یک روز یک خانمی آمد گفت: من متبتله هستم. متبتله همان است که از بتل، بتول، اسم بعضی زن ها را بتول می گذارند. گفت: یعنی چه؟ گفت: من می خواهم از دنیا جدا شوم، دائم فکر آخرت

باشم، لذا ازدواج هم نمی‌کنم. امام به او دعوا کرد و فرمود: اگر ازدواج نکردن ارزش بود، حضرت زهرا ازدواج نمی‌کرد. زن باید ازدواج کند، اینکه تو به قصد اینکه می‌خواهی یک زن پارسا و چنین و چنانی باشی، معنایش این نیست که ازدواج نکنی.

## ۱- جایگاه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در نزد امام عسکری علیه‌السلام

امام عسکری، امام یازدهم فرمود: ما حجت بر مردم هستیم و زهرا حجت بر ماست، یعنی الگوی ما فاطمه زهراست. مقدار مهریه و جهازیه هیچ ربطی به شخصیت و عظمت ندارد. حضرت زهرا بالاترین و بزرگترین زن هست، مهریه‌اش کم است و جهازیه‌اش مختصر است. بعضی می‌گویند: ما اگر تالار نگیریم آبروی ما می‌ریزد. آبرویش را به تالار می‌داند. من چه چیزی از او کمتر دارم که دختر عموی من فلان سکه مهر کرد و من کمتر بگیرم؟ چه چیز من از او کمتر است؟ اصلاً ارزش انسان‌ها به مال نیست. یک جمله هست در دعای جوشن کبیر، «یا من فی الجبال خزائنه» یعنی گنج‌های پر از طلا در کوه‌هاست. سمت دلجان یک جایی هست اسمش از ذهنم پرید. کوه طلاست یعنی سنگ را که برمی‌داری ذرات طلا ریز ریز در این سنگ هست، البته روی آن کار می‌کنند و نمی‌دانم با آنها چه کار می‌کنند، ولی این جمله در دعای جوشن هست «یا من فی البحار عجائبه» در دریا عجایب می‌بینیم. نور خورشید تا مقداری در آب دریا فرو می‌رود، قعر دریا که نور خورشید نیست، حیوان‌ها نور می‌خواهند و از خودشان تولید نور می‌کنند، بعضی نور قرمز، بعضی نور زرد، بعضی نور سبز، یعنی ته اقیانوس‌ها مثل شهر چراغانی است. انواع ماهی‌هایی که آدم بهت زده می‌شود که خداوند چه کرده است؟ «یا من فی البحار عجائبه» (بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۳۹۱) عجایب خدا را در دریا می‌بینیم. «یا من فی الجبال خزائنه» خزینه‌های گنج را در کوه‌ها می‌بینیم. «یا من فی الارض آیاته» در زمین یک آب و یک خاک، به قول قرآن می‌گوید: آب یکی و خاک یکی، ترش ترش، لیمو ترش، شیرین شیرین توت شیرین، خرما شیرین، ترش و شیرین پرتقال و انار، از آب بی مزه و از خاک بی طعم انواع طعم‌ها، «یا من فی الارض آیاته، یا من فی السماء عظمته» هر مدتی یکبار می‌گویند: یک کهکشان کشف شد که فاصله نوری بین ما و او چقدر است. البته ریشه‌هایش را در روایت داشتیم، یکوقتی یک روایت دیدم که حضرت امیر فرمود: کره زمین پیش کرات دیگر مثل یک حلقه در یک بیابان است. آسمان اول نسبت به آسمان دوم یک حلقه در بیابان است. سوم نسبت به چهارم یک حلقه در

بیابان است. پنجم نسبت ششم یک حلقه، ششم نسبت به هفتم، یعنی همه هستی و این نگاه‌ها خیلی آدم را بزرگ می‌کند.

## ۲- کوچک‌بودن دنیا در نزد مردان خدا

یکوقتی رئیس جمهور آقای رجایی شد. خدا رحمتش کند. امام نشسته بود، رئیس جمهور آقای رجایی آمد و گفت... امام فرمود: آقای رجایی شما رئیس جمهور شدی فکر نکنی خیلی مهم هستی. ایران یک تکه از آسیا است، تو رئیس جمهور ایران شدی. ایران چقدر است؟ یک تکه از آسیا است. آسیا یک تکه از منظومه شمسی است. آسیا یک تکه از کره زمین است. کره زمین یک تکه از منظومه شمسی است و منظومه شمسی... همینطور برد برد بالا و آخر گفت... ما تا پایین هستیم کره زمین بزرگ است، شما اگر سوار هواپیما... الان همین سالن، این سالن پایین باشیم، پانصد متر است، هزار متر است، با کم و زیادش... اما اگر شما سوار هلی کوپتر و هواپیما شدید و بالا رفتی، بالا رفتی، این پانصد متر اندازه یک قالی دوازده متری است. بالاتر بروی اندازه یک قالیچه می‌شود. بالاتر بروی اندازه یک صابون می‌شود. بالاتر بروی اندازه یک کبریت می‌شود، برود بالاتر اندازه یک آدامس می‌شود. بالاتر بروید اندازه یک عدس می‌شود. یعنی هرچه بالاتر برویم زمین... بگویید... کوچکتر می‌شود. ما که می‌گوییم: آمریکا چنین است، چون ما می‌گوییم: الله اکبر، خوب کسی که خدا برایش بزرگ است، آمریکا برای کوچک است. امام که فرمود: آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند این شعار نیست. یعنی کسی که خدا پهلویش بزرگ شد، آمریکا پهلویش کوچک است.

شما اگر نگاهت به پول‌های بانک مرکزی بخورد، دیگر هی قلکت را تکان نمی‌دهد بابا پر شد! (خنده حضار) می‌دانی چرا می‌گویی پر شد؟ توجه به پول بانک مرکزی نداری. لذا یکی از برکات نماز این است که نماز آدم را بزرگ می‌کند، چون انسان وقتی دستش را در دست خدا گذاشت، بزرگ می‌شود. یک بچه وقتی راه می‌رود، اگر دستش در دست کسی نباشد، اگر کسی نگاهش کند بچه می‌ترسد. اما اگر دستش در دست پدرش باشد، هر لاتی نگاهش کند به لات می‌گوید... (خنده حضار) یعنی همین که دستش در دست پدرش است زور پیدا می‌کند. دستمان در دست کسی باشد... در دست کی باشد... در دست آدم ترسو باشد یا آدم شجاع؟ مسأله‌ی... امامان ما همینطور هستند. به امام سجاد گفتند: خیلی عبادت می‌کنی. گفت: من کجا و عبادت‌های علی کجا؟ به علی گفتند: خیلی عبادت

می‌کنی؟ گفت: من کجا و عبادت‌های پیغمبر کجا؟ به پیغمبر گفتند: خیلی عبادت می‌کنی؟ گفت: من کجا می‌توانم حق خدا را ادا کنم. «ما عرفناک حق معرفته» من نتوانستم حق خدا را بدهم.

### ۳- ارتباط با خدا، عامل امنیت و آرامش انسان

یک دختر و پسر با ایمان دستش در دست خداست، وقتی روزی چند بار می‌گوید: الله اکبر، خدا بزرگ است. بزرگتر از چه؟ بزرگتر از فکر، بزرگتر از نوشتنی‌ها، بزرگتر از گفتنی‌ها، بزرگتر از ... این نماز با توجه آدم را بالا می‌برد. اینکه در قرآن اینقدر از بهشت و جهنم گفته است یعنی اینقدر انسان توجه دارد که اینقدر لذت آنجا است، پس لذت‌های دنیا چیزی نیست. زهرا که بود؟ امام عسکری فرمود: ما امام‌ها الگوی مردم هستیم و زهرا الگوی ما هست. یک خواستگار برای حضرت زهرا آمد، یکی عثمان بود، یکی عبدالرحمان بن عوف بود. قبل از حضرت علی خواستگاری حضرت زهرا آمدند. مهریه چقدر؟ صد شتر همراه با بار، بارش چیست؟ پارچه اعلای مصری، دیگر چه؟ ده هزار دینار، دینار یک دینار یک مثقال طلاست، ده هزار مثقال طلا، فاطمه فرمود: من زن این دو نفر نمی‌شوم. علی بن ابی طالب آمد، چه داشت؟ یک شمشیر و یک اسب داشت، حضرت فرمود: این را بفروشید، ازدواج کنید. مال با کمال خیلی فرق دارد. مال و کمال، خیلی نگویید خوش به حال کی، چه خانه‌ای دارد، چه ماشینی دارد؟

یک کسی نزد یک آقای آمد، گفت: یک استخاره کن، من می‌خواهم مسافرت بروم. نقل شد این آقا هم استخاره کرد، گفت: مسافرت تو بد است، مسافرت نرو. گوش به حرف آقا نداد و رفت. رفت و تجارتي کرد و پول خوبی گیرش آمد. نزد این آقا آمد. گفت: آقا استخاره شما بد بود. ولی برای ما خوب بود. خیلی سود داشت. آقا یک نگاهی کرد و گفت: فلان روز در این سفر نمازت قضا نشد؟ گفت: خیلی خوب، دنبال کارت برو، باختی! خیلی وقت‌ها انسان می‌گوید: بردم، چه چیزی را بردی؟ دینت را فروختی و مال گرفتی. شما اگر دروغ گفتی و ده هزار تومان گیرت آمد، این برنده شدن نیست. دینت را دادی و پول گرفتی. تو انسان هستی، انسانیت را له کردی، خیلی از آنهایی که کلاهبرداری می‌کنند و اختلاس می‌کنند به چه قیمتی، چه را می‌دهند وجدان، عاطفه، انسان، حقیقت، عدالت، رحم، همه اینها را می‌دهم غذای مسموم به مردم می‌دهد. گیرم غذای مسموم دادی و یک پول هم گرفتی، افرادی را کشتی و یک مشت پول گرفتی، خیلی باید مواظب باشیم که صد.. چند

بود؟ بله صد، صد شتر همراه با پارچه اعلاى مصرى و همراه با... بگوئيد... ده هزار مثقال طلا. گفت: اين شوهر به درد من نمى خورد. درس حضرت زهرا اينهاست. شهادت حضرت زهرا مى پرسيم كه زهرا چه ... انتخاب شوهر، يك كسى به كسى گفت: مى خواستى زمان حضرت على باشى؟ گفت: آره، گفت: آن زمان هلى كوپتر نمى ديدى، هواپيما نمى ديدى، كشتى نمى ديدى، مترو نمى ديدى، فرودگاه نمى ديدى، كامپيوتر نمى ديدى، گفت: اين همه را نمى ديدم، ولى على را مى ديدم!

#### ۴- رابطه حضرت زهرا با حضرت على عليهم السلام

روايت داريم از روزى كه من همسر على شدم، نه من على را غضبناك كردم و نه على مرا غضبناك كرد. يكبار حضرت زهرا آمد، اين قصه تسبيح را براى شما بگويم. حضرت زهرا نزد پدرش آمد و گفت: من چهار تا بچه دارم، امام حسن و امام حسين، زينب كبرى و كلثوم، شوهرم دائم در جبهه هاست و زن هاى مدينه نزد من مى آيند درس ياد بگيرند و آموزش زن ها هست، چهار تا بچه دارم، شوهرم جبهه هست، يك كسى بيايد در خانه به من كمك كند. پيغمبر فرمود:

خانه دارى به قدرى ثواب دارد كه حيفم مى آيد از آن اجرها و ثوابها محروم باشم ولى شما ۳۴ بار الله اكبر بگو. ۳۳ بار الحمدلله بگو، ۳۳ بار سبحان الله بگو، تسبيحات حضرت زهرا كه معروف است.

الآن شرايط ما و سيستم زندگى ما خيلى جاها با اسلام فرق دارد. ما شرقى و غربى نيستيم اما مسلمان درست و حسابى هم نيستيم. خيلى فاصله داريم. اميرالمؤمنين و قنبر غلامش رفتند دو تا پيراهن خريدند، يكى گرانتتر و يكى ارزانتتر، آن گرانتتر شيك بود، حضرت على گفت: قنبر، تو اين را بپوش! گفت: آقا من غلام هستم. شما مولاي من هستى. فرمود: تو غلام هستى ولى جوان هستى، جوان دلش مى خواهد شيك پوش باشد. چون جوان دلش مى خواهد شيك بپوشد. شيك را تو بپوش. اين توجه به اينكه غرايض جوانى خيلى مهم است و حرف هاى ساده است و علمى نيست اما عملى است و دنيا در همين حرف ها گير است.

## ۵ - ایمان، ملاک و معیار الهی است، نه فقر و غنی

پیغمبر با جمعی نشستند بودند، یک نابینا چشم‌هایش بسته بود. عصا زنان وارد شد گفت: یا محمد، محمد ای محمد قرآن به من یاد بده! یک نفر در جلسه عبوس کرد. جلسه دانه درشت‌ها و پولدارها بودند، یک سوره نازل شد به نام سوره عبس و تولى، «عَبَسَ» عبوس کرد، اخم کرد؟ «عَبَسَ وَ تَوَلَّى، أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى» یک نابینا که آمد عبوس کردی؟ به پولدار خندیدی؟ فقیر آمد ناراحت شدی؟ تو چه می‌دانی شاید رضای خدا در قرآن خواندن برای نابینا است. ده آیه در سوره عبس و تولى، خدا ده آیه را به رگبار می‌بندد کسی که برخورد دوگانه داشته باشد، یعنی پولدار را تحویل بگیرد و فقیر را تحویل نگیرد.

اگر مهمانی بود و همه پولدارها بودند، این مهمانی را گفتند: شرکت نکنید، حضرت امیر به نماینده‌اش نامه نوشت که شما نماینده امیرالمؤمنین هستی، شنیدم در یک مهمانی رفتی که همه پولدارها بودند و فقیرها نبودند. بسیار کار غلطی کردی. یک سؤال، این عثمان بن حنیف که رفته در جلسه پولدارها کباب خورده و حضرت علی نامه می‌نویسد تو نماینده من هستی چرا این غذا را خوردی؟ این هزار و چهارصد سال است آبرو ندارد. یعنی تا می‌گویند: عثمان بن حنیف، می‌گویند: همان کسی که سر سفره پولدارها رفت. سؤال این است که آیا درست است حضرت علی آبروی یک نفر را بریزد؟ جواب: در نظام باید حق و باطل روشن باشد. نماینده امیرالمؤمنین نباید اشرافی زندگی کند ولو آبرویش بریزد. یعنی امیرالمؤمنین (ع) آبروی عثمان بن حنیف را برد برای اینکه یک کار غلطی کرده بود. باید جلوی کار غلط را گرفت.

یک بنده خدای دیگر مهمانی می‌دهد، فقرا را دعوت کرد. حضرت فرمود: غلط کردی. گفت: آقا من چه خاکی بر سرم کنم؟ پولدارها غلط کردیم، فقیرها را غلط کردیم. فرمود: یک فقیر و یک پولدار، با هم. چون فقرا هم که دور هم نشستند می‌بینند او همه فقیر هستند. می‌گویند: لابد حاجی آقا یک روزه‌ای خورده و می‌خواهد به فقرا کفاره بدهد. هرکس یک روزه بخورد باید به شصت فقیر غذا بدهد این معلوم می‌شود این آقا دو سه روزه خورده و حالا کفاره به ما داد. یعنی

یک طور نباشد که احساس کند این برای فقیرهاست و این برای پولدارهاست. مخلوط باشد.

## ۶- مردمی بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

پیغمبر ما وقتی با مردم می‌نشست، طوری می‌نشست که هر کس نگاه می‌کرد نمی‌فهمید کدام یک پیغمبر است. می‌پرسید: «ایکم رسول الله» کدام یک پیغمبر هستید؟ الآن در اداره‌های ما اتاق‌ها درست تنظیم شده است؟ اتاق وزیر شصت متر، معاونش ۴۵ متر، اتاق مدیر کل ۳۵ متر، اتاق معاونش ۲۵ متر، یعنی همینطور مساحت اتاق‌ها بر اساس شخصیت‌هاست. هر اتاقی مراجعه بیشتر می‌شود باید آن اتاق بزرگتر باشد. ممکن است من رئیس هستم بیست نفر به من مراجعه می‌کنند، معاون من سی نفر، پس باید اتاق بزرگ برای معاون من باشد. در تقسیم اتاق ما درست عمل نکردیم.

عید قربان بود کسی به من زنگ زد، آقای قرائتی عید قربان است می‌خواهم گوسفند بکشم، دعای قربانی چیست؟ در تلفن برای من بخوان. گفتم: دعای قربانی این است که کبابی‌هایش را در یخچال برای خودت نگذاری. (خنده حضار) دعای دومش این است که سیراب و شیردانش را هم برای فردا عصرت نگذاری. جگرش را هم برای صبحت نگذاری. قربانی یعنی قربتاً الی الله، یعنی گوشتی که کشتی همه را یکسان کن، نیم کیلو نیم کیلو، یک کیلو، یک کیلو، کمتر، بیشتر همه را یکجور، کنار کوچه بایست هر کس آمد به او بده. این قربانی است! اینکه این را به شوهر خواهرم بده چون دوستش دارم. این را به برادرزنم بده چون دوستش دارم. این را به رفیقم بده چون همکارم است. سیراب و شیردان هم برای خودمان، کجایش قربانی شد؟ این همه قربان شکمت شد. کجایش قربانی شد؟ قربانی یعنی هیچی دیگر رویش نباشد. شما اگر می‌خواهی نماز بخوانی، صف اول بایستی، چرا؟ بگویی این صف اول را نشانم بده. نمازت باطل است. اول وقت نماز بگویی که بگویند: ایشان اول وقت نماز بخواند. باز نمازت باطل است. چون نماز خواندی که مردم بگویند: ایشان نمازش را اول وقت می‌خواند. در نماز مردم هر چه می‌خواهند بگویند، بگویند. الله اکبر! هر کس هر چه می‌خواهد بگوید، بگوید. مکان برای غیر خدا باشد باطل است. زمان برای غیر خدا باشد باطل است. قیافه به خودت بگیری، یک چادر سبز، یک عبای سبز، گردن کج کنی، یک قیافه‌ای بگیری که مثلاً من جزء اولیای خدا هستم. قیافه‌ات برای غیر خدا باشد کل نماز

باطل است. یک کلمه واجب هم برای غیر خدا بگویی نماز باطل است. یک مستحب هم برای غیر خدا بگویی نماز باطل است. عجب! یعنی نماز مثل توپ فوتبال است. یکجایش را سوراخ کنید بادش در می‌رود. اصلاً کل بازی لغو می‌شود. دیگر نمی‌شود بگویی آقا ما یک سوزن یک گوشه زدیم. بله یک سوزن یک گوشه زدی ولی بازی لغو شد. یکبار دیگر بگویم، نماز برای خداست ولی یکی از واجبات را برای غیر خدا باطل است. نماز برای خدا یکی از مستحبات برای غیر خدا، نماز باطل است. نماز برای خداست مکانی که می‌ایستم برای غیر خداست، باطل است. نماز برای خداست زمانی که انجام می‌دهم برای غیر خداست، باطل است.

## ۷- مردان و زنان با ایمان، الگوهای قرآنی در طول تاریخ

به هر حال یک چیزی است که انسان نیاز به الگو دارد، در الگوها هم مرد... قرآن به پیغمبر می‌گوید: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ» (مریم/۴۱) پیغمبر تاریخ ابراهیم را برای مردم بگو، نگذار ابراهیم فراموش شود. حضرت ابراهیم (ع)، آیه دیگر هم می‌گوید: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ» (مریم/۱۶) پیغمبر اسلام تاریخ مریم را هم بگو، نگذار مریم فراموش شود. مریم زن است، ولی زنی است که پیغمبر ما موظف می‌شود، مأمور می‌شود از طرف خدا که تاریخ این زن را نقل کند. ای کاش، ناله‌هایم را به صورت ای کاش می‌گویم ممکن است پای تلویزیون یک نفر بنزینی باشد و با این کبریت ما آتش بگیرد. ای کاش بچه‌های ایران و بچه‌های هر منطقه مفاخر آن منطقه را می‌دانستند. دلم می‌سوزد که بچه‌های همشهری خودم، بچه‌های کاشان بلد هستند کوه هیمالیا چند متر است. ولی فیض کاشانی را نمی‌شناسند. فیض کاشانی دویست سیصد کتاب علمی نوشته است. امام خمینی فرمود: فیض کاشانی کتاب‌هایی که نوشته از ورق زدندش مچ ما درد می‌گیرد. یک کسی که نابغه دهر است و در چند رشته تخصص و فوق تخصص دارد، بچه‌های کاشان او را نمی‌شناسند ولی کوه هیمالیا را می‌شناسند. بچه‌های تبریز می‌دانند علامه امینی و علامه طباطبایی کیه، بچه‌های مشهد می‌دانند مطهری کیست. ما باید مفاخر خودمان را بشناسیم. «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ» بدانید مریم کیست. «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ» بدانیم مریم کیست. این سوگواری‌هایی که هست برای اینکه ما بدانیم زهرا که بود. فاطمیه، زهرا که بود؟

انتخاب شوهرش چه بود؟ صد شتر با پارچه اعلاى مصرى و ده هزار مثقال طلا، نه! على با دست خالى آره، اين يعنى دخترها در انتخاب همسر حواستان جمع باشد. چون انتخاب همسر يك مسأله زندگى نيست و در تاريخ اثر دارد. بچه در نسل هم اثر دارد. حضرت امير بعد از شهادت زهرا فرمود: مى خواهم يك زن بگيرم منتهى زنى بگيرم كه بچهاش شجاع باشد. مشورت كرد، گفتند: فلان قبيله زن هاى شجاعى دارند. رفت مادر ابالفصل را گرفت كه ابالفصل بچه حضرت على است. يعنى حضرت امير وقتى مى خواهد زن بگيرد فكر شجاعت بچهاش هست. پسر هاشم، امام حسن و امام حسين. چه ادب بين برادرها بود.

يك فقيرى نزد امام حسين آمد، سؤال كرد... گفت: شما پيش برادرم رفتى او چقدر داد؟ گفت: امام حسين صد درهم داد. امام حسين ۹۹ تا داد. گفت: من هم مى توانم صد تا بدهم، ولى چون بايد احترام برادر بزرگ را بگيرم، حالا كه او صد تا داده من ۹۹ درهم مى دهم. اينها الگو است، الگو يعنى اين.

خدايا توفيق ۱- شناخت حق، ۲- عشق به حق، ۳- عمل به حق نصيب ما بفرما. روز به روز هرچه به عمر ما اضافه مى كنى بر معرفت و مودت و اطاعت ما نسبت به خودت و اوليانت اضافه بفرما. «والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته»

### سئالات مسابقه

۱- امام عسكرى عليه السلام فرمود: ما حجت بر مردم هستيم و چه كسى حجت برماست؟

۱ (حضرت على عليه السلام)

۲ (حضرت زهرا سلام الله عليها)

۳ (امام هادى عليه السلام)

۲- پيامبر اكرم در پاسخ به درخواست حضرت زهرا براى خدمتكار، چه كرد؟

۱ (آموزش تسبيحات مخصوص)

۲ (تعيين يكي از كنيزان)

۳ (طرد دخترش زهرا

۳ - خداوند در آیات اولیه سوره عبس، چه کاری را توبیخ می‌کند؟

۱ (عبوس کردن به نابینا

۲ (تفاوت گذاشتن میان فقیر و غنی

۳ (هر دو مورد

۴ - نامه‌ی حضرت علی‌السلام به نماینده‌اش عثمان به خنیف، درباره‌ی چه بود؟

۱ (دوری حاکمان از زندگی اشرافی

۲ (برقراری عدالت میان مردم

۳ (وظیفه حاکمان در اجرای دستورات دین

۵ - در سوره مریم، یادآوری زندگی چه کسی مورد تأکید قرار گرفته است؟

۱ (حضرت ابراهیم

۲ (حضرت مریم

۳ (هر دو مورد

پاسخ سؤالات را به صورت یک عدد ۵ رقمی از چپ به راست بدون هیچ توضیحی به شماره ۳۰۰۰۱۱۴ پیامک کنید

دانش آموزان عزیز جواب سؤالات را در پاسخ برگ علامت زده و به مجری مسابقه مدرسه تحویل دهند.

موسسه ترویج فرهنگ قرآنی